

صفحات ۳۱۴ - ۲۹۷

بررسی تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی

لیلا مرادی^۱سید محمد امیری^۲محبوبه خراسانی^۳

چکیده

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به واسطه تمرکز بر جزئیات، از دو شاخه فرا اخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد. درباره ماهیت، محتوا و شیوه‌های استدلال آن، اتفاق نظر وجود ندارد. یکی از مسائل مهم و کلیدی در ادبیات و بیانات ائمه اطهار (ع) که مورد توجه قرار گرفته؛ اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی در جهان‌بینی توحیدی اسلامی و تبیین رابطه آدمی با خداوند در تعالیم اسلامی، از جایگاه ممتازی برخوردار است. در آموزه‌های ادبی و اسلامی منابع اصلی واصل دینی، یعنی: قرآن سنت پایبندی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق کاربردی لازمه نیکبختی بشروسعادت وی در دو جهان فانی و باقی شمرده شده است. اخلاق کاربردی با آسیب‌شناسی نفس آدمی و شناخت کمینگاه‌های شیطانی در نفس، درصدد اصلاح بیماری‌های درونی است. در این مقاله به بررسی تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی

اخلاق کاربردی، مؤلفه، آموزه، صحیفه سجادیه، بوستان سعدی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Moradi_lila1355@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Dr.amiri@live.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Khorasani.m@iaun.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵ .

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱

طرح مسأله

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به واسطه تمرکز ویژه بر موارد عینی و جزئی و تلاش برای بررسی و حل معضلات اخلاقی، از فرااخلاق، و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌شود؛ این شاخه که به لحاظ محتوایی می‌توان نشانه‌هایی از آن را در آثار سقراط، افلاطون، لاک، کانت، بنتام، میل، نتیچه و سارتر یافت، رسماً از سال ۱۹۶۰ میلادی به عنوان شاخه‌ای از اخلاق مطرح گردید. پیش از سال ۱۹۶۰ م، نظریه‌های اخلاق هنجاری و فرااخلاق، بخش اصلی فلسفه اخلاق را تشکیل می‌داد و در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ م، تلاش فیلسوفان درباره مباحث زبانی و تحلیلی اخلاق به اوج خود رسیده بود.

پیترسینگر، اولین فیلسوفی است که با بکاربردن واژه اخلاق کاربردی و راه اندازی مرکز پژوهشی، شرایط اعلان موجودیت اخلاق کاربردی را فراهم کرده است. پیش از وی، هنری سیجویک، با نگارش کتاب اخلاق عملی به گونه‌ی غیر محسوسی برای تلفیق نظریه اخلاق و عمل، به بررسی نزاع‌های اخلاقی پرداخت که بعدها تحت عنوان اخلاق کاربردی مطرح گردید. پیتر سینگر، سال ۱۹۶۰ میلادی، را سال احیای این نوع رویکرد نسبت به مسائل اخلاقی تلقی می‌کند، نه پیدایش آن.

برخی ترجیح می‌دهند که اخلاق کاربردی را به لحاظ ارتباطش با نظریه‌ها و اصول کلی اخلاقی از اخلاق عملی که به اعتقاد آنها با امور جزئی و عینی ارتباط دارد نقطه شروع استدلال اخلاقی تلقی می‌شود، متمایز کنند.

در مجموع اخلاق کاربردی را به لحاظ گستره می‌توان در حوزه فردی شامل؛ اخلاق خانواده، روابط شخصی مثل دوستی با دیگران، و رابطه با پیران و جوانان، و در حوزه اجتماعی شامل؛ اخلاق علم و تکنولوژی، زیست پزشکی، سیاسی، حقوقی، رسانه‌ای، ورزشی دانست که طبیعتاً اخلاق حرفه‌ای را نیز در برمی‌گیرد.

برخی، علاقه فیلسوفان را به اخلاق کاربردی، صرفاً بخشی از گرایش‌های آنان به تحلیل و حل مشکلات اجتماعی ناشی از نابسامانی‌های اخلاقی می‌دانند، زیرا به اعتقاد آنها مشکلات اخلاقی، علت نارسایی‌ها و رویدادهای ناگوار اجتماعی اند، نه معلول یا بخشی از آنها (Noble & Singer, 1982: 7).

و بعضی دیگر، گرایش به اخلاق کاربردی را در سال‌های اخیر، ناشی از پیچیدگی‌های جامعه مدرن و رشد تکنولوژی می‌دانند که باعث شده تا حوزه‌های متعددی را به لحاظ اخلاقی درگیر کند و برخی معتقدند با افزایش مشکلات اخلاقی و مشخص نبودن راه‌حل مناسبی در این باره و ایجاد این تردید، که احتمالاً هیچ قانون و شیوه مشخصی برای تفکیک امور درست از نادرست، وجود ندارد، فیلسوفان رابه صرافت انداخت تا برای حل معضلات اخلاقی، شیوه‌هایی از استدلال

اخلاقی را مطرح نمایند تا براساس نظریه‌های اخلاقی، راهی برای حل مشکلات اخلاق عملی و اجتماعی بیابند.

کتاب صحیفه سجادیه میراث ارزشمند امام زین‌العابدین (ع) شامل نیایش‌های ایشان با حضرت باری تعالی است. این کتاب سرشار از معارف الهی و فضایل نیکوی اخلاقی است که در قالب دعا و مناجات با خداوند بر فضایل والای اخلاقی تأکید می‌نماید. از سوی دیگر کتاب بوستان سعدی شیرازی، سرشار از نکات حکمی و اخلاقی فراوانی می‌باشد که با بسیاری از محسنات اخلاقی در صحیفه سجادیه مشترک است؛ از این رو تبیین مبانی اخلاق براساس آموزه‌های صحیفه سجادیه و بوستان سعدی محور اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

صحیفه سجادیه و بوستان سعدی در واقع کلاس‌های درسی هستند که همواره با معارف سرشار از مضامین عرفانی و اخلاقی، رسیدن به سعادت ابدی و رهایی از پلیدی‌های شرک و ذیلت‌های اخلاقی را به ارمان می‌آورد و از آنجایی که این دو کتاب ارزشمند، صرفاً در زمره کتاب دعا و یا کتاب امثال و حکمت قرار نمی‌گیرد؛ لذا نمونه بسیار برجسته برای بهره‌مندی رفتاری به عنوان راهکار جامع اخلاقی محسوب می‌شوند و بر مؤلفه‌های اخلاق کاربردی از قبیل احسان و نیکی، شفقت و مهربانی به مردم، یاری ضعیفان و مظلومان استوار است.

حال با توجه به مطالب فوق، به تطبیق دو کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه و بوستان سعدی با یکدیگر و وارد شدن در حوزه‌ی اخلاق کاربردی یا عملی به بررسی و تحلیل این دو اثر جاودانه از حیث محتوا و مضمون می‌پردازم.

بدین طریق که احادیث صحیفه سجادیه و اشعار بوستان را به چندین مؤلفه تقسیم می‌کنم و بعد از تقسیم اشعار و احادیث به تطبیق مؤلفه‌های مذکور پرداخته و اخلاق کاربردی یا عملی را در آن، مورد تحلیل قرار می‌دهم.

اهمیت و ضرورت موضوع

از آنجایی که داشتن اخلاقی نیکو همواره در اسلام و آموزه‌های دینی مسلمانان سفارش فراوان شده است و به عنوان یکی از اصول اساسی و مهم سرلوحه زندگی بشری می‌باشد؛ لذا با توجه به این مهم، ائمه اطهار (ع) گاه در سخنان و گاه در کتاب‌های دعای خویش، بسیار به تبیین مؤلفه‌های اخلاقی پرداخته‌اند؛ حال با عنایت به این موضوع، شاعران بسیاری در طول تاریخ، اشعار و کلام خویش را به دریای بیکران سخنان ائمه متصل نموده‌اند که در این میان سعدی شیرازی، شاعر توانمند و فارسی‌زبان، از جمله این شاعران است که در اشعار خویش به صحیفه سجادیه امام زین‌العابدین (ع) توجهی خاص داشته است. حال از یک سو با توجه به اهمیت اخلاق نیکو در زندگی بشری، و از سوی دیگر پرداختن شاعران بدان، این ضرورت احساس می‌شود که تجلی اخلاق و آموزه‌های آن در شعر یکی از شاعران برجسته و به نام ایران زمین، با تکیه

بر صحیفه سجادیه را بررسی و تبیین نماییم تا از این طریق اهمیت این مسأله را نزد ائمه و بزرگان دین و شاعران بزرگ درک کنیم.

سؤال اصلی

مهم‌ترین مؤلفه‌ها و آموزه‌های اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی کدامند؟

هدف اصلی

تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌ها و آموزه‌های اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی
معنا و مفهوم اخلاق کاربردی

اخلاق، اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای سه اصطلاحی است که به علت نزدیکی معنای آنها اغلب، به اشتباه به جای یکدیگر بکار می‌روند و تفاوت آنها مغفول می‌ماند. علم اخلاق، که اغلب با حذف کلمه علم از ابتدای آن به طور مطلق بکار می‌رود، علمی است که با شناساندن صفات نیک و بد و اعمال درست و نادرست اخلاقی، انسان‌ها را به کسب صفات نیک و انجام اعمال درست توصیه می‌کند و راه‌کارهای عملی این مهم را بیان می‌کند. لذا علم اخلاق، علم بایدها و نبایدها و علم چگونه زیستن و چگونه عمل کردن است.

شأن علم اخلاق، توصیف و توصیه است. اما فلسفه اخلاق، که شاخه‌ای از فلسفه است، شأنت تحلیل و فلسفی دارد؛ مسائل فلسفه اخلاق، به دوحوزه فرا اخلاق و اخلاق هنجاری تقسیم می‌شود که اخلاق هنجاری به دوی بخش نظریه‌های اخلاق و اخلاق کاربردی تقسیم می‌شود. نظریه‌های اخلاقی در صدد ارائه معیارها و قواعد کلی درستی و نادرستی اعمال هستند. این معیارهای کلی، با بکار بسته شدن در یک حوزه خاص و جزئی، اخلاق کاربردی را ایجاد می‌کنند. نکته مهم در تعریف اخلاق کاربردی، توجه به شأن تحلیلی و فلسفی بودن آن و همچنین، معضل و مشکل اخلاقی بودن مسائل آن است به طوری که به سادگی جواب روشن و واضحی نمی‌توان به آنها داد و عمدتاً مسائل دو وجهی و سیاه و سفید هستند که هر دو طرف آن دارای استدلال است. اخلاق کاربردی شاخه‌های متعددی چون اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق بازرگانی، اخلاق حکومتی، اخلاق زیستی، اخلاق کامپیوتر، اخلاق محیط زیست، اخلاق تعلیم و تربیت و... دارد که به حل معضلات اخلاقی این حوزه‌ها می‌پردازد. اصطلاح دیگر که توضیح آن لازم است، اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای به بیان الزامات و وظایف اخلاقی یک حرفه و شغل خاص مانند معلمی، پزشکی، مدیریت، تجارت و... می‌پردازد؛ اخلاق حرفه‌ای، مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار اعضای یک حرفه حاکم است. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای را باید جزئی از علم اخلاق دانست؛ برخی از الزامات اخلاقی عام و کلی هستند که متعلق به همه انسان‌ها است و برخی مختص به انسان‌های خاص در یک حرفه و شغل خاص.

اگر در اخلاق حرفه ای، مسأله و معضل اخلاقی وجود داشته باشد که نیازمند تحلیل و تفکر فلسفی باشد، جزء مسائل اخلاق کاربردی خواهد بود. بنابراین، اخلاق مدیران، اخلاق روحانیت، اخلاق پزشکان، اخلاق دانشجویان، اخلاق حاکمان و دولتمردان و این قسم تعابیر همه از انواع اخلاق حرفه ای خواهند بود نه اخلاق کاربردی (اترک، ۱۳۸۸).

اهداف اخلاق کاربردی

هدف اصلی اخلاق کاربردی؛ ارائه توصیه‌هایی است که به طور عملی مفیدند یا برای تصمیم‌گیری اخلاقی، مؤثر واقع می‌شوند و به جای حل معضلات فرضی با مشکلات واقعی سر و کار دارد که حرفه‌های گوناگون و موضوعات مختلف با آن مواجهند، در نتیجه صرفاً با بکاربردن نظریه‌ها و اصول کلی نمی‌توان مشکلات اخلاقی رایج را حل کرد؛ زیرا این مشکلات گرچه هنجاری‌اند، اغلب به شیوه پیچیده‌ای با پرسشهای تجربی مرتبطند؛ به همین دلیل فیلسوفان علاوه بر این که نیازمند به کارگیری شیوه‌های عملی‌تر و کاربردی‌تر برای ارائه راه‌حل‌های عملی هستند، لازم است تا گذشته از اطلاع از نظریه‌های اخلاقی، در باره حوادث و روابط واقعی نیز، آگاهی‌های جزئی و عینی داشته باشند.

ویژگی‌های اخلاق کاربردی

امروزه فلاسفه اخلاق، درصدد برآمده‌اند تا بیشتر به مسائل و اموری بپردازند که کانون بحران و معضلات عملی اخلاق را نشانه رفته باشد. اصول و قواعدی نظیر عدالت‌ورزیدن، دروغ-نگفتن، به حق حیات دیگران احترام گذاشتن، آسیب نرساندن به دیگران و ... که مورد قبول عموم نظریه‌های هنجاری‌اند و دراصل اخلاقی بودن آنها اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود و فاعل اخلاقی در کاربرد آنها نیز در بسیاری موارد، با پیچیدگی و دشواری‌های خاصی مواجه نمی‌شود؛ اما شناسایی و تشخیص رفتار درست از نادرست، در بسیاری از حوزه‌های عملی - خصوصاً با پیشرفتی که فن‌آوری داشته و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دشواری را در حوزه‌هایی بکر فراروی فیلسوفان اخلاق قرار داده است - پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که در این باره معضلات اخلاقی را پدیدآورده است. همین مسأله توجه فیلسوفان اخلاق را به رشته‌ای به‌نام اخلاق کاربردی جلب کرده است (فاخوری، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

برخی ویژگی‌های اخلاق کاربردی عبارت است از:

- ۱- توجه بیشتر به زمینه‌ها و جزئیات.
- ۲- برخورداری از روشی نه کاملاً قیاسی و نه کاملاً استقرایی، بلکه شیوه‌ای که به استعاره از جان راولز، آن را «موازنه متفکرانه» می‌خوانند.
- ۳- توجه مستقیم به موضوعات عملی و کاربردی در اخلاق.
- ۴- بررسی مسائل جدید اخلاقی که در نتیجه پیشرفت تکنولوژی و علم مطرح شده است.

۵- پی‌جویی راه‌حل‌های عملی در مورد تعارضات اخلاقی و تلاش برای ارائه پاسخ‌های جدید به برخی مسائل چالش‌خیز قدیمی.

۶- تلاش برای نهادینه کردن اخلاق میان گروه‌ها و جوامع مختلف (همان: ۲۸۸)

روش‌شناسی پژوهش

پس از گردآوری مطالب درخصوص بررسی ظرفیت اخلاق کاربردی یا عملی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی، اطلاعات مورد نظر طبقه‌بندی می‌شوند؛ بدین شکل که ابتدا بعد از جمع‌آوری اشعار مربوط به اخلاق کاربردی یا عملی در بوستان سعدی و نیز جمع‌آوری احادیث مربوط به صحیفه سجادیه و کلام امام سجاد (ع)، هریک از این اشعار و احادیث به چندین مؤلفه اخلاقی تقسیم می‌شوند که برای مثال می‌توان به مؤلفه دستگیری از ضعیفان، شفقت به همنوعان، احسان و نیکی و... اشاره کرد. سپس پس از تقسیم اشعار و احادیث به چندین مؤلفه، به تطبیق اشعار سعدی و احادیث صحیفه سجادیه در مؤلفه مربوط، پرداخته می‌شود.

مطالعه تطبیقی صحیفه سجادیه و بوستان سعدی

یکی از کهن‌ترین متون اسلامی که در قرن اول هجری تألیف شده، کتاب الصحیفه الکامله یا الصحیفه السجادیّه، تألیف امام زین‌العابدین و سیدالسادین، علی‌بن‌الحسین (ع) است. این کتاب به زبور آل محمد نیز مرسوم است و به تواتر، توسط فرقه زیدیه و اسماعیلیه و امامیه به طرُق گوناگون از آن امام همام روایت شده است (فتاحی، ۱۳۸۵: ۶۹). در این مجموعه گرانقدر، ضمن مناجات با خالق هستی، عالی‌ترین خلق و خوی انسانی در رفتار فردی و اجتماعی تعلیم گردیده‌است و هرکس که به مطالعه مضامین آن بپردازد، به شخصیت والا و پیامبرگونه گوینده آن اعتراف خواهد کرد. (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

در دعاهای صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) ضمن راز و نیاز با خداوند به‌طور غیرمستقیم از فضایل و ردای اخلاقی سخن می‌گوید. گویی در دیدگاه امام (ع) از طریق سخن گفتن و راز و نیاز با خداوند، می‌توان همه کمالات انسانی و وظایف فردی و اجتماعی را بازشناخت (باقریان، ۱۳۸۲: ۹۷).

دعاهای صحیفه، غالباً آمیخته با ستایش باری تعالی و توحید است، به‌گونه‌ای که هیچ مجموعه دیگری در معارف توحیدی قابل‌مقایسه با آن نیست، به‌ویژه آنکه جامه‌ای زیبا از حسن بیان، برخاسته از معدن فصاحت اهل بیت پیامبر (ص) نیز بر زیبایی محتوایی آن‌ها می‌افزاید (پهلوان، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

یکی از مزایای معنوی شعر کهن فارسی، وفور نصایح اخلاقی و رهنمودهای ارزشمندی است که در زمینه حکمت عملی و وظایف فردی و اجتماعی انسان، توسط شاعرانی چون سعدی ارائه گردیده و راه و رسم زندگی شرافتمندانه، در خلال مواعظی که خود عصاره‌ای از تعلیمات عالیّه

اسلامی است، تفسیر و توجیه شده است. با نگاهی گذرا به درونمایه اغلب اشعار و حکایات سعدی معلوم می‌شود که وی علاوه بر داشتن طبعی خلاق و برخوردار از قدرت سخنوری و هنر شاعری، خردمندی فرزانه و معلمی راه‌شناس و آگاه به رمز و رازهای هستی بوده و به سهم خود کوشیده است تا اسرار حیات متعالی و هدفدار انسان را به صورت لطیف‌ترین تعبیرات تفسیر کند تا فراز و نشیب‌های راه زندگی را ضمن دستورالعمل‌هایی خردمندانه نشان دهد. به راستی این وظیفه خطیر را آن‌گونه دقیق و استادانه به انجام رسانیده است که کلامش در پاره‌ای موارد رنگی از سخنان انبیا و عطر و بوی بی‌یاد از کتب آسمانی یافته است و به لحاظ کثرت استعمال، در ردیف کلمات قصار و ضرب‌المثل‌های متداول در زبان فارسی درآمده است (صفا، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

سعدی به حق معلم اخلاق بوده و در علوم دینی، عرفان، سیاست و شناخت اجتماع متبحر و استاد بوده است. بنابراین بوستان آکنده از نیکی، پاکی، ایمان و صفاست و شاعر با گشودن ده باب به روی کسانی که قصد گذر در این فضای معنوی را دارند، آنان را به آرمان شهری از اخلاق و فضیلت رهنمون می‌کند تا چشم‌انداز زیبایی را فرا روی انسان بر قلّه رفیع آدمیت برآورد و از رذایل اخلاقی پاک و منزّه گردد، اسراری از حیات متعالی انسان تفسیر گردیده و راز و رمزهایی از مباحث عملی در قالب تعابیر لطیف، بیان شده است، (محلّاتی، ۱۳۴۶: ۳۴) از جمله:

۱. نخواهی که باشی دلت دردمند / دل دردمندان برآور ز بند
 ۲. خنک آن که آسایش مرد و زن / گزینند بر آسایش خویش‌تن
 ۳. چو انسان نداند بجز خورد و خواب / کدامش فضايلت بود بر دواب
 ۴. اگر بد کنی چشم نیکی مدار / که هرگز نیارد گز انگور بار
 ۵. حذر کن ز پیکار که تر کسی / که از قطره سیلاب دیدم بسی
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۵۴)

در اغلب اشعار سعدی، زندگی تفسیری هدفدار و تبیین وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی انسانی مدنظر است (معبودی، ۱۳۸۴: ۱۹) و موضوعاتی چون: احسان به پدر و مادر، صلّه رحم، احترام به معلم، اکرام میهمان، شفقت به یتیم و اسیر و فقیر، آداب سخن گفتن، تربیت فرزند، فواید پرهیزگاری و پاکدامنی، ایثار و بخشندگی، حق‌شناسی، فروتنی، شکیبایی، وفاداری، امیدواری، رازداری، پاکیزگی، نظم و ترتیب در امور، اعراض از لغوگویی، عیبجویی، غیبت، آزمندی و غرور و حسادت و... به کرات دیده می‌شوند.

اخلاق کاربردی، در حقیقت به معنای کاربست مبانی و معیارهای اخلاقی است، و وظیفه اخلاق کاربردی این است که مبانی و معیارهای اخلاقی را در عمل به کار گیرد (مهدوی کنی، ۱۳۷۴: ۴۱).

نگارنده در این مقاله درصدد است با تکیه بر مصادیق اخلاق کاربردی، این نوع اخلاق را

در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی مورد تطبیق قرار دهد تا از این منظر ارزش‌گذاری و ارزیابی اخلاقی و در نتیجه پذیرش یا انکار خط‌مشی‌ها و رفتارها را مشخص نماید.

یافته‌ها

بارزترین نمونه‌های تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی به اختصار شرح داده خواهند شد:

اخلاق معاشرتی

نیاز آدمی به زندگی اجتماعی و دوری از انزوا و فردیت‌طلبی، انسان را به معاشرت و ارتباط با دیگران سوق می‌دهد. زندگی اجتماعی از نظر دینی و اخلاقی دارای فرآیندهای حسی و عاطفی است که بر بنا نهادن اصول و مقدمات آن، به درکی عمیق در برقراری ارتباط با دیگران نیاز است (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۵). از جمله آن می‌توان تواضع و فروتنی، انصاف، برقراری عدالت و ... اشاره کرد.

حسن معاشرت: حُسن معاشرت و نحوه برخورد نیکو با مردم یکی از فضیلت‌های زیبای اخلاقی می‌باشد که بارها در کتب معتبر دینی و اسلامی توصیه شده است، در این وادی صحیفه سجادیه سرشار از دستورهای اجتماعی و اخلاق گروهی است و کتاب بوستان سعدی نیز در زمینه خاص آموزش اخلاقی و رفتارهای اجتماعی، گسترده و متنوع، هرچند به ظاهر پراکنده و نظام نیافته‌اند؛ اما اغلب این نظریات در پرتو ایجاز در کلام، فصاحت و بلاغت سخن شاعر، نفوذ و قاطعیتی دیگر یافته‌اند. امام سجّاد (ع) درباره اخلاق خوب و خوش‌رویی، چنین می‌فرماید:

«و إن اقربکم من الله اوسعکم خلقاً»

و نزدیک‌ترین شما به خداوند کسی است که دارای وسعت خلق (نرم‌رویی، خوش‌رویی) باشد. (همان: ۳۹۲)

شیخ اجل، سعدی شیرازی نیز اهمیت فراوان این مسأله را درک نموده، زیرا معاشرت نیکو لازمه اخلاق اسلامی می‌باشد (رزمجو، ۱۳۶۶: ۱۵۹). وی در زندگی اجتماعی و معاشرت و مدارا با مردم، نرم‌خویی و نیک‌خواهی، به ویژه دوری از خشونت را مایه افزایش دوستان می‌داند:

۱. به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی دشمن اوست
۲. به اخلاق با هر که خواهی بساز اگر زیر دست است و گر سرافراز
(سعدی، ۱۳۶۶: ۳۰۵)

تواضع و فروتنی

دوران عمرآدمی فرصتی است که در آن براساس دستورهای الهی به سرمی‌برد و با انجام طاعات و ادای وظایف بندگی، به قرب پروردگاریکتا برسد. شایستگی‌های اخلاقی، پله‌های نردبان

این پیشرفت هستند که پیمودن آن‌ها، انسان را به سر منزل سعادت می‌رساند؛ به شرط آن‌که دچار غرور نشود و همواره با صفت زیبای فروتنی با هموعان خویش سلوک کند. (کارل، ۱۳۵۵: ۳۰۲).

در تحلیل و پردازش مفهوم اخلاقی تواضع و فروتنی باید توجه داشت که به‌طور کلی می‌توان این مفهوم را در دو قسم بررسی نمود:

الف) تواضع در برابر خداوند که شامل تواضع در برابر حق و قانون خدا، تواضع در برابر پیامبران و امامان و اولیاء خدا می‌شود.

ب) تواضع در معاشرت با مردم، از دوست و همسایه، پدر و مادر و ... روشن است که تواضع در برابر خدا، عالی‌ترین و مهم‌ترین درجه تواضع است. این نوع از تواضع، نشانه نهایت تسلیم در برابر فرمان‌های خدا و اطاعت از او، و کمال خضوع و خشوع در برابر عظمت اومی باشد (حبوباتی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

تواضع در برابر خداوند

امام سجاده (ع) در دعای چهل و هفتم از صحیفه سجادیه، نمونه‌ای گرانبها از خشوع و خضوع قلبی را به پیشگاه خداوند کریم ابراز می‌دارد که در مورد آن چنین می‌خوانیم:

«وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ ضَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَائِفًا مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحْمَلْتُهُ»

(و اکنون این منم که در پیشگاه تو ایستاده‌ام، کوچک، خوار، خاضع، خاشع، خائف، و معترف به گناهان عظیمی که بر دوش کشیده‌ام). (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۴۹۶)

سعدی، یکی از هفت ابواب کتاب بوستان را به تواضع و فروتنی اختصاص داده است. شاعر در ابیات زیر به روشنی

اذعان می‌دارد که انسان باید در مقابل پروردگار خویش که او را آفریده، بنده‌ای مطیع و فروتن و افتاده و از هرگونه حرص و سرکشی به‌دور باشد؛ چراکه خداوند انسان را از خاک و پاک آفریده، نه از آتش سرکش.

۱. ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
۲. حریص و جهانسوز و سرکش مباش ز خاک آفریدت چو آتش مباش (سعدی، ۱۳۶۶: ۲۳۹)

در اینجا به تحلیل نمونه‌هایی از کاربرد تواضع در معاشرت با مردم در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی می‌پردازیم که نمونه بارزی از اخلاق کاربردی در اجتماع در آن آشکارا به چشم می‌خورد؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم دیگر اخلاق شایسته، افزون بر اینکه موجب مهربانی دیگران با انسان می‌شود، به خودی خود نوعی آراستگی برای جسم و جان است، زیرا شرط دارا بودن کردار نیکو، ترک اخلاق ناپسند است و در چنین حالتی است که دل انسان مؤمن به زیور اخلاق نیکو

آراسته می‌گردد و قابلیت درک عنایات خاص پروردگار را به دست می‌آورد. بدیهی است، خشوع و فروتنی که یکی از بارزترین مظاهر اخلاق کاربردی در جوامع بشری است، بسیار درسیرۀ عملی دو شخصیت برجسته دینی و ادبی مشاهده گردد. بهترین فروتنی آن است که هنگام سربلندی پدیدار نشود و همین فروتنی، خود شکر نعمت عزت و سرافرازی است. امام علیه‌السلام در بخشی از صحیفه سجادیه، آراستگی به صفت نیکوی فروتنی را از خدای متعال تقاضا می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّني بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَخَلِّني بِالْخُضُوعِ»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۲۱۵)

خداوند! بر محمد و آلش درود فرست، و مرا با حلیه و زیور صالحان، و به خضوع و خشوع بیاری.

سعدی آراستگی به زیور تواضع و فروتنی را نیز از مشخصه‌های والای اخلاقی می‌داند و به صراحت بیان می‌کند که اگر آدمی به عرش و بلندی آن برسد، باید راه تواضع و فروتنی را در پیش بگیرد. انسان‌های بزرگ و آزاده هرگز غرور و تکبر را در وجود خود راه نمی‌دهند، آن‌ها آنقدر افتاده و متواضع هستند که اگر خاکستر بر سرشان فرود آید، خم به ابرو نمی‌آورند، دست شکر به درگاه ایزد متعال برمی‌دارند؛ از این رو سعدی چنین می‌گوید:

۱. بزرگان نکرند در خود نگاه خدا بینی از خویشان بین مخواه
 ۲. بزرگی به ناموس و گفتار نیست بلندی به دعوی و پندار نیست
 ۳. تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازد
- (همان: ۲۴۳)

دعوت به صبر و بردباری

اهمیت صبر و بردباری در دعاها و کلام ارزشمند امام سجاد (ع) تا آنجایی والاست که ایشان همواره چه برای خویش و چه برای دیگران خواهان آن از سوی باری تعالی است.

«اللَّهُمَّ وَ إِن كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِلِي وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَيِّدْنِي مِنْكَ بِنَيْتِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ، وَ أَعِزَّنِي مِنَ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ هَلَعِ أَهْلِي الْجَرِصِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۱۷۳)

خداوند! اگر انتخاب تو به نفع من در این است که گرفتن حقم را به تأخیر اندازی و انتقام از کسی که به من ستم کرده تا یوم‌الفصل و به هنگام گرد آمدن متخاصمان، ترک کنی. بنابراین بر محمد و آلش درود فرست و مرا از جانب خود با نیتی صادق و صبری دائم، تأیید فرما و از تمایلات بد و حرص سرکش حریصان پناهم ده.

دعوت به صبر و بردباری در امور و مسائل مختلف، در اشعار سعدی به فراوانی توصیه شده است که اینک به ذکر نمونه‌هایی از این امر اشاره می‌کنیم:

شاعر شیرازی در ابیات زیر به صراحت بیان می‌دارد که اگر سختی و ناراحتی از جانب کسانی - که بارها بر انسان نیکی کرده‌اند، پیش بیاید باید در مقابل آن صبور بود؛ چرا که شکیبایی در برابر اعمال آن‌ها یک ضرورت است.

۱. خوشا وقت شوریدگان غمش اگر زخم بین اند و گر مرهمش
 ۲. گدایان از پادشاهی نفور به امیدش اندر گدایی صبور
 ۳. دمامد شراب الم درکشند اگر تلخ بینند دم درکشند
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۱۹۶، ۱۹۵)

امر به معروف و نهی از منکر

در باب امر به معروف آنچه مسلم است، بیان عیوب دیگران، اولاً به روش موعظه حسنه افراد صورت بگیرد و نه به قصد ریختن آبروی آن‌ها، و ثانیاً انجام شود، نه تنها به عنوان یک صفت بد قلمداد نمی‌شود که به یکی از فرائض دینی تبدیل می‌شود که در قرآن و روایات ائمه اطهار توصیه‌های اکیدی درباره آن وجود دارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۳۳).

امام سجاد (ع) فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را در بخشی از دعای اول شرح می‌دهد:

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتْنَا، وَ نَهَانَا لِيَتَّبَعِيَ شُكْرْنَا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۷۶)

(و ستایش مخصوص خداوندی است که ابزار و وسائل بسط و قبض را در ما آفرید).

امام سجاد (ع) درباره اهمیت هدایت و راهنمایی به معروف‌ها و رهنمایدن از گمراهی می - فرماید: «به شیعیان من مژده ثواب بزرگ و پاداش فراوان بدهید». که خدای تعالی به موسی (ع) چنین امری نمود که: «مرا نزد آفریدگانم و آفریدگانم را نزد من محبوب ساز!» موسی پرسید: «چگونه؟» فرمود: «رحمت‌ها و نعمت‌های مرا به یادشان بیاور؛ چرا که اگر فرارکنند از در خانه یا گمگشته از آستانه مرا به سوی من باز گردانی، برای تو بالاتر از عبادت صدسال است که روزهایش را روزه بداری و شب‌هایش را به نماز و عبادت بگذرانی» (علامه مجلسی، ۱۳۸۵: ۷۱).

سعدی ایجاد روحیه امر به معروف و نهی از منکر در افراد جامعه را یکی از اصول اخلاق اجتماعی دانسته و در بوستان به اصل تربیتی فوق اشاره می‌نماید:

۱. نصیحت که خالی بود از غرض چو داروی تلخ است بر دفع مرض

(سعدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷)

شیخ اجل، سعدی شیرازی نیز در کتاب بوستان در قالب مثلی جذاب و دلنشین، به مسأله امر به معروف و نهی از منکر چنین اشاره کرده است:

۱. یکی پادشه زاده در گنج‌ه بود که دواز تو ناپاک و سرپنجه بود
۲. به مسجد درآمد سرایان و مست می اندر سر و ساتگینی به دست
۳. به مقصوره بُد پارسایی مقیم زبانش دلاویز و قلبش سلیم

۴. تنی چند بر گفت او مجتمع چو عالم نباشی کم از مستمع
 ۵. چو بی عزتی پیشه کرد آن حرون شدند آن عزیزان خراب اندرون
 ۶. چو منکر بود پادشه را قدم که یارد زد از امر معروف دم؟
 ۷. تحکم کند سیر بر بوی گل فرو ماند آواز چنگ از دهل
 ۸. گرت نهی منکر بر آید زدست نشاید چو بی دست و پایان نشست
 (همان: ۲۵۶، ۲۵۵)

حفظ زبان

حفظ زبان از جمله ارزش‌هایی است که آدمی در ارتباط‌ها و معاشرت‌های خویش، همواره در پی حراست از آن است؛ زیرا کم‌توجهی بدان موجب خدشه‌دار شدن روابط‌های اجتماعی می‌گردد (نعمتی، ۱۳۸۷: ۸۹).
 امام سجاد(ع) آفت‌های کلامی و زبانی را در خلال دعاهای خویش برمی‌شمارد و به درگاه باری تعالی پناه می‌برد:

«يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شْتَمٍ عِرْضِي أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ خَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ دَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَ إِحْضَاءً لِمَنِّكَ» (همان: ۱۰۳)

یا ارحم راحمین! چنان کن که بر زبان من به جای دشنام و ناسزا و عیب‌جویی و عیب‌گویی و بر باطل گواهی دادن و بر ضد حق سخن گفتن و از برادر غایب غیب کردن و به برادر حاضر تهمت‌زدن، سپاس تو و ستایش تو و شمردن نعمت‌های تو و ذکر اعلائی تو موج زند و بگذارد که همواره قلب و زبان من به یاد تو روشن و روان باشند.
 سعدی در بوستان و دیگر آثارش به برشماری آفت‌ها و آسیب‌های ناشی از عدم حفظ نکردن زبان پرداخته و غفلت

از این امر را سبب خدشه‌دار نمودن روابط اجتماعی می‌داند (موحد، ۱۳۷۴: ۶۳). حفظ زبان در اندیشه سعدی مقوله بسیار گسترده‌ای است و شامل تأمل و اندیشه در سخن گفتن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد. سعدی در باب اول و هفتم بوستان ما را به تأمل و اندیشه در سخن گفتن فرامی‌خواند و این نکته را گوشزد می‌نماید که فرد خردمند ابتدای اندیشد و سپس گفتاری را بر زبان می‌آورد، زیرا کلامی که به زبان آمد، دیگر قابل بازگشت نیست (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

۱. دل است ای خردمند، زندان راز چو گفستی نیاید به زنجیر باز
 (سعدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸)

سخن‌چینی نیز از دیگر نتایج حفظ نکردن زبان است که یک ردیلت اخلاقی محسوب

می‌شود و در روابط اجتماعی آسیب به وجود می‌آورد. سعدی در ابیات زیر این ویژگی را مایهٔ ایجاد تفرقه و خدشه‌دار نمودن روابط افراد می‌داند و

به همین دلیل چنین افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد:

۱. سخن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم
۲. از آن همنشین تا توانی گریز که مر فتنه‌ی خفته را گفت خیز
۳. میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیـزم است

اخلاق خانواده

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با ترکیب دیگر خانواده‌ها، جامعه را تشکیل می‌دهد. در این بخش، به بررسی اخلاق در میان اعضای خانواده می‌پردازیم که شامل اخلاق زناشویی، اخلاق والدین با فرزندان و اخلاق فرزندان با والدین است.

اسلام، آیین الهی و مقدسی است که برای خانواده اهمیت فراوان قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌شناسد. اسلام معتقد است هرگونه نظم و سازندگی باید از خانواده آغاز گردد و دامنهٔ سازندگی و گسترش به جامعه کشانده شود و حیات اجتماعی تحت نظم و ضابطه درآید (فریدونی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

اسلام خواستار نسلی است سالم، پاک و عقیف و موجد افتخار برای جامعهٔ انسانی؛ چنین نسلی جز در دامن خانواده‌ای سالم نمی‌تواند تربیت شود. وظیفه‌ای که خانواده در قبال تربیت فرد دارد و نقش مهمی که در این زمینه ایفا می‌کند در واقع به وظیفه او در قبال تربیت جامعه پیوند می‌خورد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

دین اسلام، شیوه‌های مناسب تربیتی را پیش روی خانواده‌ها قرار می‌دهد. به طوری که با تأکید بر تکریم و تشویق فرزندان خانواده را از اعمال روش‌های تنبیهی باز می‌دارد.

امام سجاد(ع) نیز در این باره چنین می‌فرماید:

(پروردگار من! بازوان مرا به نیروی فرزندانم نیرومند ساز و چنان کن که پشتیبان من باشند و بر توانایی من بیفزایند و زینت افزای خانهٔ من گردند و نام مرا در این دنیا به نیکویی زنده بدارند. خداوند! پس از مرگ من همچنان فرزندان مرا در سایهٔ عنایت و رعایت خویش نگهدار و کمک کن تا چنان ببارآیند که کمکم کنند، و عنایتی فرما که دوستم بدارند و از من روی برنگردانند. گوش بفرمان من فرا دهند و از خشم و ناخشنودی من پرهیز کنند. بامن به عناد و خلاف برنخیزند و به دنبال من از راه خطانروند. پروردگار! به من در تعلیم و تربیتشان کمک کن) (صحیفه سجاده، ۱۳۷۳: ۱۲۴).

سعدی شیرازی نیز پیرو سخنان بزرگان دین، در اشعارش بسیار به اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان تأکید ورزیده است. حال با توجه بر میزان اهمیت این امر در تحکیم بنیان خانواده و ارتباط

گسترده آن با شاخصه‌های اخلاق کاربردی به تحلیل یکی از شایسته‌ترین اشعار شاعر، در این زمینه خواهیم پرداخت.

ادیب بلندآوازه‌ی پارسی، در این نمونه از شعر خویش، چندین بارزه اخلاقی را برمی‌شمرد که در تربیت فرزندان، نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. در گام نخست، حُجُب و حیا را یادآور می‌گردد؛ چرا که هدایتگر سرشت آدمی در مسیر سعادت است. پرورش انسانیت و آویختن پرده‌های حیا در زیبا شکل گرفتن هویت آدمی از همان اوان کودکی بسیار مؤثر است (طاهری، ۱۳۸۳: ۶۲).

۱. چو خواهی که نامت بماند بجای پسر را خردمندی آموز و رأی
 ۲. که گر عقل و طبعش نباشد بسی بمیری و از تو نماند کسی
 ۳. بسا روزگارا که سختی برد پسر چون پدر نازکش پرورد
 ۴. خردمند و پرهیزگارش برآر گرش دوست داری بنمازش مدار
 ۵. به خردی درش زجر و تعلیم کن به نیک و بدش وعده و بیم کن
 ۶. نو آموز را ذکر و تحسین و زه زتویبخ و تهدید استاد به
- (همان: ۱۶۵)

شاعر در مرحله پایانی، به تحلیل دیگر ابعاد تربیتی فرزندان؛ همچون دادن آموزش عزت‌نفس، صبر، پاکدامنی و ... اشاره می‌نماید. شیخ اجل نیز برای مقام والای پدر از خداوند مَنان طلب مغفرت و آرامش می‌نماید و این‌گونه ارادت خویش را به چنین جایگاه برجسته‌ای نمایان می‌سازد.

۱. ز عهد پدریادم آید همی که باران رحمت بر او هر دمی
 ۲. که درطفیلم لوح و دفتر خرید ز بهریکی خاتم زرخرید
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۱۸۹)

اخلاق اجتماعی

محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد زندگی اجتماعی پدیدمی‌آید؛ مثل احسان به دیگران، یا توهین به دیگران (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴).

انسان یک موجود اجتماعی است، زندگی در اجتماع نیازمند یک سیستم و نظام جامعی است که حقوق و تکالیف

افراد را در رفتار و ارتباط با دیگران مشخص می‌نماید؛ اسلام به عنوان مجموعه دستورات عبارات در این باب مربوط به کلام امام سجاد(ع) است (همان: ۱۱۴).

امام(ع)دربخشی از این صحیفه سجادیه به ترویج فضایل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد، تا افراد بارعایت آن اصول، همزیستی مسالمت‌آمیزی را درکنار یکدیگر داشته باشند(اقتصادی فرد، ۱۳۸۰: ۷۶).

از منظر سعدی سازگاری اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز کمال مطلوب جامعه آرمانی است. او مدینه فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که این دواز بنیان‌های مستحکم شخصیت هر فرد از افراد آن جامعه، از فضائل عالی و فروغ انسانیت و آدمیت که برآنان حاکم است سخن می‌گوید و عدالت، تواضع، صلح، احسان، انصاف، همدلی، و... را به عنوان ویژگی‌های افراد این جامعه مطلوب و عوامل پدیدآورنده روحیه سازگاری اجتماعی مطرح می‌نماید و دردل‌ها شوق ساختن چنین جامعه‌ای با این ویژگی‌ها را پدید می‌آورد(بهشتی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۷).

«سعدی به عنوان یک مصلح اجتماعی که همه جانبه همه مصالح اجتماعی را مطرح کرده، قصدش واقعاً یک تربیت ساده اجتماعی بوده است»(اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۰۱).



نتیجه‌گیری

اخلاق کاربردی را چه شاخه‌ای مستقل از دیگر شاخه‌های اخلاق بدانیم و چه آن را جنبه کاربردی نظریه‌های اخلاقی تلقی کنیم، ذیل نظریه‌های هنجاری قرار می‌گیرند و از جهت کاربردشان در مسائل جزئی و کلی، کاربردی نامیده می‌شوند.

نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که هر انسانی برای اینکه در زندگی فردی و اجتماعی رفتار و هنجار مطلوب داشته باشد؛ ابتدا باید روش و هدف اصلی که همان رشد تکامل معنوی و کسب مقامات والای دینی و انسانی است را مشخص کند و برای پیشرفت در این مرحله باید رفتار، کردار و گفتار خود را طبق دستورات قرآن رشد و تکامل دهد؛ در مکتب تشیع، کامل‌ترین سیره و شیوه تربیتی، شیوه تربیتی ائمه معصومین (ع) است؛ سیره‌ای که از یک سو، به منبع وحی الهی متصل است؛ و از سوی دیگر، در مقام عمل نیز آثار خود را نشان داده است؛ تربیت‌شدگان در این مکتب، انسان‌هایی کامل و دارای مقام‌های عالی و معنوی‌اند که به برکت راهنمایی‌های امامان معصوم (ع) به این مراتب عالی دست یافته‌اند.

با بررسی آثار امام سجاد(ع) و به خصوص صحیفه سجادیه شیوه‌های تعلیم و تربیت و انسان‌پروری در مدار اخلاق، این

چنین عنوان گردیده شده است؛ فروتنی و خدمت به مردم، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم امر به معروف و نهی از منکر، حق‌مداری و حرکت به سوی خدا و خداگونه ظاهر می‌گردد. راز بزرگواری و ماندگاری سعدی علاوه بر شیوه سخن‌سرایی و نویسندگی او، در امتزاج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و اجتماعی است. هم‌ظرف ممتاز است و هم‌مظروف‌ها پربها. اخلاق و تربیت اخلاقی افراد جامعه، محور اندیشه و سخن سعدی است. در جمع‌بندی نهایی اصول؛ در هشت محور با عناوین عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خلق و خوی نیکو، نوع دوستی و خدمت به خلق، تغافل و دستگیری و احسان دسته‌بندی گردید.

امام زین‌العابدین(ع) مقام و جایگاه خانواده را تا آنجا والا و بی‌همتا می‌داند که در قالب دعا‌های گوناگون به ستایش، نیایش، و پردازش روابط میان والدین بایکدیگر، والدین با فرزندان پرداخته است.

سعدی شیرازی در کتاب بوستان به‌طور واضح به مسائل خانوادگی، زناشویی، نگرش‌ها و ارزش‌های مذهبی پرداخته است. وی در واقع، سخنگوی واقعی زندگی و اخلاق است. او باب زندگی را همراه با تصویرهای روشن در پیش روی مخاطب گشوده است.

امام زین‌العابدین و سعدی شیرازی، در باب اخلاق و ارتباط آن با عرفان عملی، بر تربیت اخلاقی، در مسیر حرکت به سوی عبودیت و کسب رضایت الهی، توصیه می‌نمایند، با این تفاوت که کلام آن حضرت از سرچشمه‌های نور و بر زبان دعا جاری گشته و کلام سعدی از سرچشمه ذوق و بر زبان شعر ارائه گردیده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اترک، حسین (۱۳۸۸). اخلاق کاربردی، معنا و مفهوم.
- ۳- امام زین العابدین (ع)، رساله الحقوق، (۱۳۸۵ هـ.ش)، ترجمه: علی شیروانی (نسخه تحف العقول)، قم: دارالفکر.
- ۴- _____، (۱۳۷۳ هـ.ش)، صحیفه السجادیه، ترجمه: علی شیروانی، قم: دارالفکر.
- ۶- اسلامی، ناصر، (۱۳۸۸ هـ.ش)، مبانی تربیتی خانواده در فرهنگ اسلامی، قم: نشر راه امید.
- ۷- اقتصادی فرد، پری سیمما، (۱۳۸۰ هـ.ش)، جایگاه اخلاق در صحیفه سجادیه، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی مرکز، دانشکده الهیات، قم، دانشکده اصول الدین.
- ۸- باقریان، احمد، (۱۳۸۲ هـ.ش)، آشنایی با صحیفه سجادیه، تجلی پیام عاشورا، قم: انتشارات زائر.
- ۹- بهشتی، احمد، (۱۳۸۲ هـ.ش)، خانواده در قرآن، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ۱۰- بهشتی، محمد، (۱۳۸۷ هـ.ش)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن کریم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۱- _____، _____، (۱۳۸۳ هـ.ش)، مقاله دعا، دائرة المعارف شیعه، ج ۷، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: انتشارات محبی.
- ۱۲- پهلوان، منصور، (۱۳۸۴ هـ.ش)، مبانی اخلاقی در صحیفه سجادیه، سفینه، شماره هشتم، پاییز.
- ۱۳- حبوباتی، سید رضا، (۱۳۸۴ هـ.ش)، شرح دعای مکارم الاخلاق، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۱۴- رزمجو، حسین، (۱۳۶۶ هـ.ش)، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹ هـ.ش)، حدیث خوش سعدی، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۶- سعدی شیرازی، شرف الدین مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۵ هـ.ش)، بوستان، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۷- _____، _____، (۱۳۸۴ هـ.ش)، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۸- _____، _____، (۱۳۸۶ هـ.ش)، گلستان، تهران: انتشارات خوارزمی.

- ۱۹- شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۷ هـ.ش)، *آئین زندگی و اخلاق کاربردی*، تهران: نشر پیدایش.
- ۲۰- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۴ هـ.ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۲۱- طاهری زاده، فاطمه، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *مبانی تعلیم و تربیت در ادبیات ایران*، تهران: انتشارات سایه گستر.
- ۲۲- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *جلاء العیون* (تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام) تحقیق سید علی امامیان، تهران: انتشارات سرور.
- ۲۳- _____، _____، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *بحار الانوار*، جلد ۴۶، چاپ هفتم، قم: انتشارات فراهانی.
- ۲۴- عمید، حسن، (۱۳۶۳ هـ.ش)، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- فاخوری، حنا، (۱۳۷۷ هـ.ش)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶- فتّاحی، سید حمید، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *صحیفه کامله سجادیه همراه با پیام‌ها*، پاسخ‌گوی نیازها، قم: انتشارات میرفتّاح.
- ۲۷- فریدونی، محمدتقی، (۱۳۸۶ هـ.ش)، *اسلام و خانواده*، تهران: نشر نوین.
- ۲۸- کارل، آلکسیس، (۱۳۵۵ هـ.ش)، *نیایش* (بخش مقدمه)، مقدمه و ترجمه: محمدتقی شریعتی، قم: نشر کیمیای سعادت.
- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰ هـ.ش)، *اخلاق در قرآن*، جلد سوم، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه)
- ۳۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ هـ.ش)، *فلسفه اخلاق*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۳- _____، _____، (۱۳۷۶ هـ.ش)، *سیری در سیره ائمه اطهار (ع)*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۵- ملکی، فرامرز، (۱۳۷۹ هـ.ش)، *حقوق والدین و فرزندان در اسلام*، تهران: انتشارات محبت.
- ۳۸- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۴ هـ.ش)، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

39- Nil eeerly N ggggr ()))))tt ii ss eeert T Hsstigg
Center.

40- Report, vol.12, no.3, pp.7-15.